

# آینه اوهام

(جلد دوم ضد خاطرات)

## آینه اوهام

(جلد دوم ضد خاطرات)

## آینه اوهام

(جلد دوم ضد خاطرات)

آندره مالرو

ترجمه سیروس ذكاء

آینه اوهام

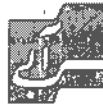
(جلد دوم ضد خاطرات)

کتاب روشن

وابسته به نشر آبی

تهران ۱۳۸۴





کتاب روشن . وابسته به

نشراتی

# آینه اوهام

(جلد دوم ضد خاطرات)

آندره مالرو

ترجمه سیروس ذکاء



چاپ اول: ۱۳۸۳، تیراژ: ۱۶۵۰ نسخه

حروفچینی: نوآور؛ لیتوگرافی: لاله

چاپ: الوان؛ صحافی: امامی

حق چاپ و نشر محفوظ است



مدیر تولید: هوش آذر آذر نوش

مدیر فرهنگی: فریبا نیک‌زاد



تهران، صندوق پستی ۱۵۸۵۵-۵۵۹

تلفن: ۸۷۰۷۷۳۲، تلفاکس: ۸۷۰۸۰۵۳

E-mail: ketaberoushan@hotmail.com

شابک: ۹۶۴-۵۷۰۹-۶۶-۰ ISBN: 964-5709-66-0

مالرو، آندره، ۱۹۰۱ - ۱۹۷۶م.  
آینه اوهام دنباله ضد خاطرات: طاب و  
موشیا / آندرو مالرو؛ ترجمه سیروس ذکاء. - تهران:  
آبی، ۱۳۸۳.  
۵۱۴ ص.

ISBN 964-5709-66-0

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.  
عنوان اصلی: Le miroir des limbes, c1976.  
آمالرو، آندره، ۱۹۰۱ - ۱۹۷۶م.  
Malraux, Andre, ۷ داستان نویسان فرانسوی -- قرن ۲۰م. --  
سرگذشت‌نامه. الفبکاء. سیروس، ۱۳۰۵ -  
مترجم. ب.عنوان. ج.عنوان: طاب و موشیا.

۸۴۳/۹۱۲

PQ۳۶۴.۱/ذ۷۵۶۷  
۱۳۸۳

۸۳-۷۲۹۴۴

کتابخانه ملی ایران

## پیشگفتار مترجم

در سال ۱۹۶۷ که کتاب ضدخاطرات منتشر شد، مالرو گفت که این کتاب دارای چهار جلد خواهد بود که پس از مرگ نویسنده به چاپ خواهد رسید. بدین سان او از اثری سخن می‌گفت که بسیار بزرگتر از آن چیزی است که در دست داریم. اما سه سال بعد اعلام داشت چند کتابی که در این فاصله منتشر کرده است جزو کتاب عصر اوهام خواهد بود که بخش اول آن، تحت عنوان ضدخاطرات، منتشر شده است. اما مدتی بعد، مجدداً اعلام داشت که این اثر فقط شامل دو جلد خواهد بود که عنوانهایشان عوض شده است. سرانجام، در اواخر سال ۱۹۷۴، در مقدمه کتاب لازار اعلام داشت که عنوان آینه اوهام جای عصر اوهام را گرفته است و اضافه نمود که مهمانهای گذرنده سه فصل اول جلد دوم را تشکیل خواهد داد. سپس، در ۱۹۷۵، ترتیب قرار گرفتن شش کتاب جلد دوم را با نهادن حکایت کوتاه نقاش بزرگ در ابتدای آن تعیین کرد و عنوان جلد دوم را طناب و موشها گذاشت. این کتاب را، در ۱۹۷۶، انتشارات فولیو به عنوان جلد دوم ضدخاطرات به چاپ رساند (کتاب حاضر از روی این متن ترجمه شده است).

بدین ترتیب، آینه اوهام عنوان کلی دو جلد شد که اولی تحت عنوان ضدخاطرات در سال ۱۹۶۷، و دومی تحت عنوان طناب و موشها در سال ۱۹۷۶ به طبع رسید.

اما شش کتابی که جلد دوم را تشکیل می‌دهند قبلاً تحت عناوین دیگری چاپ شده بودند که ذیل به آنها اشاره می‌شود:

۱. مهمانهای گذرنده یا دیدار با سدار سنگور (۱۹۷۱)
۲. مهمانهای گذرنده یا دیدار با زن غیب‌گو و اسکندر مقدونی (۱۹۷۱)
۳. مهمانهای گذرنده یا دیدار با ماکس تورس (۱۹۷۱)
۴. درختان بلوطی که می‌افکنند یا دیدار با ژنرال دوگل (۱۹۷۱)
۵. سری از اوسیدین یا دیدار با پیکاسو (۱۹۷۴)
۶. لازار یا دیدار با مرگ (۱۹۷۴)

برخی از این شش کتاب نسبت به چاپ اصلی و جداگانه خود تغییراتی کرده‌اند، به این معنی که گاه کوتاه‌تر و گاه بلندتر شده‌اند.

در گنجاندن این کتابها در جلد دوم ضدخاطرات، ترتیب تاریخی آنها رعایت نشده است و چون در کتاب فعلی عنوان ندارند، برای روشن شدن ذهن خوانندگان توضیح مختصری درباره هر یک از آنها داده می‌شود:

۱. مهمانهای گذرنده یا دیدار با سدار سنگور، سال ۱۹۶۶. در این کتاب، مالرو از حضور خود در نمایشگاهی که رئیس‌جمهوری سنگال از هنر سیاه‌پوستان آفریقا ترتیب داده بود سخن می‌گوید و، ضمن آن، از اندیشه‌های هنری و برداشت خود از هنر به‌طور کلی صحبت می‌کند.

۲. مهمانهای گذرنده یا دیدار با زن غیگو و اسکندر مقدونی. این کتاب از خاطره شگفت‌انگیزی که مالرو به علت مرگ زرد سال، رئیس موزه لوور، در اواخر سال ۱۹۶۶ به یاد آن افتاده است به وجود آمده، و آن ملاقاتی است که او در معیت زرد سال با خانم خضاری پاشای غیگو برای کشف راز پارچه‌ای که از ایران فرستاده‌اند انجام داده است.

۳. مهمانهای گذرنده یا دیدار با ماکس تورس. در این کتاب، مالرو از شورشهای دانشجویان در سال ۱۹۶۸، هنگامی که هنوز وزیر امور فرهنگی فرانسه بود، و نیز از ملاقاتش با یکی از دوستان قدیمی خود به نام ماکس تورس صحبت می‌کند و، ضمن آن، از موضوعهای بسیار دیگر، و از آن جمله مواد مخدر، سخن می‌گوید.

۴. درختان بلوطی که می‌افکنند یا دیدار با ژنرال دوگل. این کتاب حاصل ملاقاتی است که مالرو، پس از کناره‌گیری ژنرال دوگل از حکومت، در محل اقامت او در کولومبه با او به عمل آورده است و، ضمن آن، از گذشته و کارهایی که در دوران حکومت ژنرال دوگل انجام گرفته بحث می‌شود.

مهمان دیگر ژنرال دوگل در آن روز، ژوفروا دو کورسل، بعدها گفته است که ملاقات دونفره مالرو و دوگل بیشتر از نیم‌ساعت طول نکشید. ولی، به هر تقدیر، اگر این مصاحبه‌ای به معنی واقعی کلمه هم نبوده باشد، چیزی است که این کتاب از آن پدید آمده است. در جریان نوشتن کتاب، مرگ ژنرال دوگل اتفاق می‌افتد که مالرو هنگام چاپ کتاب، در مقدمه آن، به نحوی مؤثر از آن یاد می‌کند. (کتاب درختان بلوطی که می‌افکنند توسط همین مترجم به صورت جداگانه در سال ۱۳۷۶ از سوی نشر فرزانه منتشر شده است).

۵. سری از اوبسیدین. این کتاب نیز از ملاقاتی که مالرو در سال ۱۹۷۳ با ژاکلین پیکاسو، همسر نقاش معروف، انجام داده به وجود آمده است. این ملاقات در موزن، که ژاکلین مالرو را به آن‌جا دعوت کرده است، روی می‌دهد. سپس آن دو به وونارگ، محل آرامگاه پیکاسو،

می‌روند. در این کتاب، مالرو از دیدارهای گذشته خود با پیکاسو و گفت‌وگوهای خود با او درباره نقاشی و هنر به‌طور کلی سخن می‌گوید.

۶. لازار یا دیدار با مرگ. در سال ۱۹۷۳ مالرو، بر اثر ابتلا به نوعی بیماری خواب، در بیمارستان بستری می‌شود و از این رویداد کتاب لازار که یکی از گیراترین کتابهای اوست به‌وجود می‌آید. مالرو خود جای این کتاب را در پایان آیینۀ اوهام تعیین کرده است.

تجربه بازگشت به زمین و از سر گرفتن زندگی، پس از دست‌به‌گربان بودن با طوفان در هوا و نیز روبه‌رو شدن با مرگ در برابر توپهای ضدتانک را مالرو بارها آزموده است، ولی در این‌گونه حوادث، مرگ همواره او را از خارج تهدید می‌کرده، در حالی که این بار، مرگ از درون به او حمله می‌کند و در شبی که در اتاق بیمارستان بیهوش می‌شود به منتهای شدت خود می‌رسد. مالرو، پس از به‌هوش آمدن، مثل لازار که زندگی را در گور خود از سر گرفته بود، با پزشک معالج خود به گفت‌وگوی بسیار جالبی درباره زندگی و مرگ می‌پردازد.

ترجمۀ آثار مالرو کار ساده‌ای نیست. وسعت حیرت‌آور فرهنگ نویسنده و اشاراتی که به ادیان و اساطیر و تاریخ و هنر شرق و غرب می‌کند و استعاراتی که در عرصۀ فرهنگ جهانی به‌کار می‌برد، کار مترجم را در تنگنا قرار می‌دهد. لکن تفکرات عمیق و اندیشه‌های بکر و تازه‌یاب او آنچنان گیراست که، به‌رغم ابهامی که بویژه برای کسانی که در سطح فرهنگ او قرار ندارند، پیش می‌آید، در برابر اندیشه‌های اساسی و عمق احساس و قدرت آفرینش او، تأثیری جز تحسین و اعجاب نمی‌توان داشت.

لازم است مختصری هم درباره عنوان فارسی کتاب یعنی آیینۀ اوهام گفته شود. کلمۀ له‌لمب در زبان فرانسه معانی مختلف دارد، ولی به صورت جمع در مذهب کاتولیکی به عالم برزخ اطلاق می‌شود که جایگاه ارواح کسانی است که، بدون‌گناه، قبل از ظهور مسیح از دنیا رفته‌اند و در این عالم به حالت بلا تکلیفی و در انتظار روز جزا به‌سر می‌برند. معنی دیگر آن، حالت نامطمئن و تردیدآمیز و مبهمی است که در ذهن پدید می‌آید و به نظر نویسنده بسیاری از متفکران و روشنفکران روزگار ما دچار آنند. این نظر با گفت‌وگویی که نویسنده با ماکس تورس انجام داده است تأیید می‌شود؛ به این معنی که تورس هنگام وداع می‌گوید: در عصر عجیب و غریبی زندگی می‌کنیم؛ در عصر اوهام.

اتفاقاً مالرو همین عنوان را در ابتدا برای مجموع دو جلد ضدخاطرات و طناب و موشها انتخاب کرده بود که بعداً آن را تبدیل به آیینۀ اوهام کرد.

بنابراین، سخن از بلا تکلیفی ارواح و اذهان مردد و درگیر با توهمات در میان است و این کتاب، چون آئینه‌ای، همه این اوهام و تخیلات و کندوکاو انسانها را درباره راز آفرینش، و پرسشهای بی‌وقفه نویسنده را از تاریخ و دانش و هنر درباره تقدیر انسانی، و معنی مرگ و زندگی منعکس می‌کند.

از آنجا که در زبان فارسی کلمه‌ای نبود که همه این عوامل را یکجا بیان دارد، نگارنده عنوان آئینه اوهام را انتخاب کرد که تصادفاً بر زبان حافظ بزرگ ما هم جاری شده است، آنجا که گویی در خطاب به «خاتون هنر»<sup>۱۱</sup> می‌گوید:

حسن روی تو به یک جلوه که در آینه کرد

این همه نقش در آئینه اوهام افتاد

در پایان از دوستم هرمز همایون‌پور، که وسایل چاپ و انتشار این ترجمه را فراهم ساخت، سپاسگزارم.

س.ذ.

<sup>۱۱</sup> در قیاس با «خاتون ظفر» در بیتی دیگر از او.

زلف خاتون ظفر شیفته پرچم توست

دیده فتح ابد عاشق جولان تو باد